

مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی جرایم اقتصادی (با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی)

مهدی مقیمی^۱

چکیده

زمینه و هدف: اقتصاد نقش کلیدی در زندگی بشر بازی می‌کند. به همین دلیل مبارزه با مفاسد اقتصادی دارای جایگاه ویژه‌ای است. جرایم اقتصادی و مالی از جرایمی هستند که امروزه دامن‌گیر اقتصاد جامعه شده است و مانع فعالیت اقتصادی پویای اجتماع می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی حقوقی و جرم‌شناختی این نوع جرایم و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و مبارزه با آنها است.

روش: این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: بخش اول پژوهش، موازین حقوقی و قضایی جرایم اقتصادی را واکاوی کرد. در این بخش جرایم اقتصادی از نظر حقوق کیفری اقتصادی ماهیتی (شامل عنصر قانونی، مادی و معنوی) و حقوق کیفری اقتصادی شکلی در دو بعد ملی و بین‌المللی بررسی شایین بررسی مشخص شد میان جرایم اقتصادی با جرایم علیه اموال، مفاسد اقتصادی و... تفاوت‌های اساسی وجود دارد. بخش دوم پژوهش، به تبیین و تشریح ابعاد جرم‌شناختی جرایم اقتصادی و راهکارهای پیشگیری پرداخت. در راستای تشریح ابعاد جرم‌شناختی جرایم اقتصادی، به نظریه روانشناختی پیناتل و نظریه جامعه‌شناختی مرتن استناد شده؛ سپس با توجه به رویکرد حاکم بر جامعه‌شناسی کیفری، مطالب قابل توجه و تمرکز در باب نظام حقوقی و چارچوب قضایی کشور مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین راهکارهای پیشگیرانه در این راستا عبارتند از تقویت باورهای درونی و نظام انگیزشی کارکنان بخش‌های مالی ادارات، بهبود نظام نظارت بر عملکرد مالی به ویژه در بخش دولتی، استفاده از سامانه‌های مدیریت مالی و تدوین قوانین مدیریتی و نظارتی مرتبط.

کلیدواژه‌ها: جرایم اقتصادی، پیشگیری، پلیس، حقوق کیفری اقتصادی، فساد مالی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: m60_moghimi@yahoo.com

● مقدمه

امروزه اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند. امروزه همه کشورهای دنیا به‌طور معمول از آسیب‌های ناشی از جرایم اقتصادی مصون نیستند. جرایم اقتصادی در دهه‌های اخیر چنان رشد روزافزونی داشته که بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و بزرگ را به سوی انحلال سوق داده یا باعث کندی حرکت اقتصادی آنها شده است. جرایم اقتصادی عبارت‌اند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به‌این قصد انجام می‌شوند یا درعمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. قرآن کریم نگاه ویژه‌ای به مسئله فساد و به‌ویژه فساد اقتصادی دارد و در آیات متعددی به‌این مسئله اشاره کرده است. در آیه ۲۸ سوره قصص، قارون را به‌عنوان یکی از مفسدان اقتصادی به مرگ محکوم می‌کند و به زمین فرمان می‌دهد باتلاق گونه، او و خانه‌اش را در کام خود فرو برد. به نقل از معصومین (علیه‌السلام)، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اخلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. امام علی (علیه‌السلام) با اولویت‌بخشی به جرایم اقتصادی و انجام اقدامات پیشگیرانه، تأسیس نهادهای نظارتی، اتکا به گزارش‌های مردمی و درنهایت استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه، به مبارزه گسترده‌ای با مفسدات اقتصادی در جامعه دست زد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

برای جرایم اقتصادی عناوینی چون مفسدات اقتصادی، جرایم یقه سفیدها (که مقام مرتکب، وجه تسمیه قرار گرفته است) و اصطلاح جرایم سازمان‌یافته (جرایمی که هدف و غایت آن کسب قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می‌پیوندد و نیاز به برنامه‌ریزی دارند) و... به کار می‌رود (کلارک، ۲۰۰۹). این جرایم به‌نوعی جنبه فراملی دارند. به همین دلیل است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در سطح سازمان ملل متحد دو کنوانسیون پالمو و مریدا به تصویب رسیده که موضوع آنها جرایم اقتصادی و مالی است. در راستای همین دغدغه و برای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری سالم و گسترش مالکیت عمومی و تعاونی و حفاظت و حراست از سرمایه ملی، ولی امر مسلمین در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ فرمان هشت

ماده‌ای مبارزه با فساد اقتصادی را خطاب به قوای حاکم در جامعه صادر فرمودند که بر مبنای آن، هریک از قوای حاکم در نظام مأمور به اجرای آن هستند.

فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌کند که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می‌یابند. بی‌شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اختلال‌گران در نظام اقتصادی و مجرمان اقتصادی است. مبارزه با جرایم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از پیامدهای مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند.

اهمیت این جرایم در کشور نیز موجب شکل‌گیری ستاد مبارزه با فساد اقتصادی شده است. علاوه بر آن قوه قضاییه مجتمعی را برای رسیدگی به جرایم اقتصادی اختصاص داده است. این مجتمع دارای ۴ رکن دادرسی، دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر و شورای مشورتی است که به پرونده‌های جرایم اقتصادی تا ارزش ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر رسیدگی می‌کند.

ضرورت مطالعه جرایم اقتصادی را می‌توان در آگاهی از قوانین متفرقه، اولویت سیاست جنایی ایران که مبارزه با این جرم است، تحولات سیاسی و اقتصادی کشور و به موازات آن نیاز به قوانین جدید و روزآمد کردن حقوق کیفری ایران، آمار بالای ارتکاب جرایم اقتصادی، پیچیدگی این جرایم، آثار مخرب و جهانی این جرایم و... بیان کرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان منشور ملت در اصول متعددی به بحث پیشگیری از فساد مالی اشاره شده است. در اصل چهارم قانون اساسی مقرر شده که «تمام قوانین و مقررات اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و... باید براساس موازین اسلامی باشد». بدیهی است در دین مبین اسلام هیچ‌گونه جایگاهی برای امور مفسده‌دار و نامشروع شناخته نشده و همین امر سبب می‌شود قوانین منطبق با موازین یادشده، سلامت اقتصادی و مالی جامعه را تنظیم و از بروز فساد جلوگیری کند. یکی از اصول کلیدی قانون اساسی در مورد پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، توسط مسئولان کشور «اصل صد و چهل و دوم» این قانون است که طبق آن «داریائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور،

وزیران و همسران و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد». قانون اساسی بر اساس این اصل، یکی از راه‌های پیشگیری از مفاسد اقتصادی را در کشور، کنترل و بررسی اموال و دارایی مسئولان قبل و بعد از دوران خدمت آنها می‌داند. در برخی از کشورها که تجربیات مناسب و مثبتی از کاهش نرخ فساد و ارتقاء سطح سلامت حکومت دارند، یکی از مهمترین اقدامات صورت گرفته، نظارت بر اموال و دارایی مسئولان و ایجاد شفافیت مالی است.

• مبانی نظری

بخش اول: بررسی حقوقی جرایم اقتصادی

ماهیت جرایم اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی: جرایم اقتصادی به‌طور معمول در بستر یک بنگاه اقتصادی، مؤسسه یا شرکت رخ می‌دهد. حقوق کیفری اقتصادی، هم حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن است. در واقع حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱- حمایت از منافع خصوصی افراد؛ ۲- مدیریت اداره اقتصاد کشور (تضمین منافع جمعی و منافع دولت). اگر بخواهیم این دو را از هم تفکیک کنیم حقوق کیفری تجاری منافع خصوصی تجار و شرکت‌ها را تضمین می‌کند. در حالی که حقوق کیفری اقتصادی فراتر از منافع یک عده خاص است. این نکته قابل توجه است که در بیشتر کشورهای دنیا عنوان مستقلی برای جرایم اقتصادی وجود ندارد. در ایران نیز در مورد جرایم اقتصادی یک تعریف جامع در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد و با این و صف، در حقوق داخلی هیچ‌گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد. ولی به نظر می‌رسد که برای تحقق جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل زیر ضروری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۳۴):

- وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می‌گیرد. در سازمان‌های مافیایی که به‌طور ذاتی مجرمانه‌اند، جرم اقتصادی نداریم.

- استفاده نکردن از خشونت.
- جرم اقتصادی با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت‌طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبان و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. این بزه‌کاران برای جامعه خطرناک‌ترند چون هم جامعه‌پذیرند و هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند.
- اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبان به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

با این اوصاف، می‌توان جرم اقتصادی را چنین تعریف کرد: «جرایم اقتصادی هرگونه رفتاری است که عملکرد نهادهای اقتصادی، بازار مالی، بازار کالا و خدمات، بازارهای عوامل تولید، نهادهای مرتبط با اقتصاد مانند گمرک و وزارت بازرگانی یا فرآیندهای میان نهادی آن را یا یکی از ارزش‌های بنیادین ثبات شفافیت، رقابت یا اعتماد‌پذیری در اقتصاد را میان برده یا دچار اختلال می‌کند». در رویه قضایی براساس قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۹ آذر ۶۹ جرم اقتصادی به جرمی اطلاق می‌شود که علیه دولت یا نهادهای عمومی با وصف کلان ارتکاب یابد.

مصادیق جرایم اقتصادی

در حال حاضر حدود دو هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری کشور وجود دارد که بسیاری از آنها می‌توانند از مصادیق جرایم اقتصادی به شمار آیند، اما مهم‌ترین جرایم اقتصادی عبارت‌اند از:

۱. قاچاق کالا و ارز؛

۲. پولشویی؛

۳. احتکار؛

۴. ربا و رباخواری؛

۵. رشا و ارتشاء؛

۶. اخلال در نظام پولی و یا ارزی کشور؛

۷. اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی؛

۸. اخلال در نظام تولیدی کشور؛
۹. قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی؛
۱۰. تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری؛
۱۱. اخلال در نظام صادراتی کشور؛
۱۲. تشکیل شرکت‌های هرمی؛
۱۳. جرایم مالیاتی؛
۱۴. جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس)؛
۱۵. سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی؛
۱۶. حیف و میل و اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام‌های دولتی؛
۱۷. اخاذی؛
۱۸. تقلب و کلاهبرداری؛
۱۹. تبانی در انجام معاملات دولتی؛
۲۰. تقلب و فریبکاری در معاملات دولتی؛
۲۱. مداخله در انجام معاملات دولتی؛
۲۲. عدم رعایت ضوابط برگزاری مزایده و مناقصه؛
۲۳. حساب‌سازی با تنظیم صورتحساب و دفاتر غیرواقعی؛
۲۴. تخلف از قانون و تحصیل مال از طریق نامشروع؛
۲۵. خیانت در امانت؛
۲۶. دریافت پورسانت؛
۲۷. اعمال نفوذ خلاف مقررات برای نفع خود یا دیگران؛
۲۸. تخلف از قانون اخلال در نظام اقتصادی؛
۲۹. دریافت وجه یا مال مازاد بر مقررات و برخلاف قانون؛
۳۰. سوءاستفاده از اطلاعات سازمان، جایگاه یا وظایف یا قصور در اجرا به نفع خود یا دیگران یا کسب امتیاز؛

۳۱. تبانی در معاملات و قراردادها؛
۳۲. اعطای مجوزهای غیرقانونی یا تبعیض‌آمیز یا براساس روابط نامشروع و غیرقانونی؛
۳۳. سوءاستفاده از اختیارات قانونی؛
۳۴. داراشدن غیرقانونی و افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مأمور دولتی که به صورت معقول نمی‌تواند ناشی از درآمد قانونی باشد؛
۳۵. تطهیر عواید ناشی از جرم (پول‌شویی)؛
۳۶. اختفاء جرایم یا اموال ناشی از جرایم یادشده و ممانعت از اجرای عدالت؛
۳۷. تبانی در واگذاری‌ها، خصوصی‌سازی، امتیازات دولتی و بورس و رانت‌خواری و قاچاق کالا و ارز و موادمخدر و

تفاوت جرایم اقتصادی با سایر جرایم مشابه: با این‌که جرایم اقتصادی طیف وسیعی از جرایم را دربرمی‌گیرد و از جهات بسیاری مشابه با سایر جرایم هستند اما باید توجه داشت که تفاوت‌های عمده‌ای نیز با این جرایم دارند. در مورد جرایم علیه اموال به‌طور کلی، موضوع جرایم اقتصادی، کلیت جامعه و اختلال در نظم اقتصادی کشور است درحالی‌که جرایم علیه اموال، علیه حقوق مالکانه یا علیه خود مال ارتکاب می‌یابند. هدف از جرم‌انگاری جرایم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است و هدف از جرم‌انگاری جرایم علیه اموال، حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است. آثار جرایم اقتصادی دامن‌گیر اکثریت افراد جامعه می‌شود و متضرر این جرایم عموم مردم هستند؛ درحالی‌که متضرر جرایم علیه اموال، شخص یا اشخاص معین هستند. از سویی جرایم اقتصادی به لحاظ پیامدهای اجتماعی آن بیشتر غیرقابل گذشت محسوب می‌شوند درحالی‌که برخی از جرایم علیه اموال غیرقابل گذشت و برخی دیگر قابل گذشت هستند. به همین دلیل، تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم اقتصادی منوط به طرح شکایت توسط شاکی خصوصی نیست و دادسرا به‌طور مستقیم مکلف به تعقیب متهم است. از نظر گستره بین‌المللی، برخی از جرایم اقتصادی مانند پول‌شویی از جمله جرایم سازمان‌یافته و بین‌المللی محسوب می‌شوند که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند و

معاضدت و همکاری بین‌المللی برای مبارزه با آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ در صورتی که جرایم علیه اموال بیشتر جنبه داخلی داشته و جرم بین‌المللی به حساب نمی‌آیند. باید توجه داشت که در برخی مواقع، گستردگی جرایم علیه اموال باعث می‌شود که در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد کند و به دنبال آن عنوان جرم اقتصادی را کسب کند (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۶: ۲۱).

در حیطه مفاسد اقتصادی می‌توان بیان داشت که منظور از مفاسد مالی، فساد مالی کارکنان دولت نسبت به اموال دولتی یا اموالی است که در اختیار دولت است یا جرایمی که کارمندان و کارکنان دولت در راستای انجام وظایف قانونی خود انجام می‌دهند و جنبه مالی دارند مانند اختلاس، ارتشسا، تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی، دریافت پورسانت و ...؛ اما موضوع جرایم اقتصادی لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال نیست و هرگونه اقدامی که به اقتصاد کشور لطمه بزند هرچند که مال موضوع جرم متعلق به بخش خصوصی باشد، جرم اقتصادی خواهد بود و لازم نیست که مرتکب جرم اقتصادی، کارمند دولت باشد. به‌طور کلی مفاسد اقتصادی جزو جرایم اقتصادی است. اولین و به عبارتی مهم‌ترین نکته در خصوص جرایم اقتصادی در این است که، مفاسد یا جرایم اقتصادی توسط هر مجرمی صورت نمی‌پذیرد. آن دسته از مجرمانی که توانایی ارتکاب به جرایم اقتصادی را دارند، دارای چند ویژگی هستند. اولین ویژگی این مجرمان هوش و ذکاوت بالاست که این مجرمان به مجرمان یقه سفید مشهوراند. دومین ویژگی آنها، ارتباطشان با مناسب سیاسی، اقتصادی و گاه امنیتی است. وجود این دو ویژگی موجب شده تا پرونده‌های مفاسد اقتصادی از ابعاد گوناگونی با جرایم دیگر اقتصادی تفاوت‌هایی داشته باشد و بعضاً دست دادگاه‌ها برای برخورد و حتی یافتن سرنخ‌هایی تا مدت‌ها در مواردی بسته بماند. مرتکبان جرایم دیگر اقتصادی مانند کلاهبرداری، بیشتر دارای یکی از این ارکان هستند، یعنی مجرمان آن‌ها فقط افراد باهوشی بوده و با ارکان قدرت ارتباطی ندارند. در صورتی که در جرایم اقتصادی به دلیل حجم بالای اموال غارت شده از بیت‌المال، مجرمان

تحت پوشش اعمال مجرمانه خود و در مواقعی در هزینه در مسائل مربوط به خیریه هم چون مدرسه‌سازی، در جامعه کسب اعتماد و عوام‌فریبی می‌کنند.

ویژگی‌های حقوق کیفری اقتصادی

ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام کیفری از نظر اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. بنابراین حقوق کیفری اقتصادی گسترده‌تر است. ولی، در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است تخلفات اقتصادی با ضمانت اجراهای صنفی، اداری و غیرکیفری پاسخ داده می‌شود. از نظر حقوق کیفری ماهوی، براساس تقسیم‌بندی معمول، عنصر قانونی، مادی و سپس معنوی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

عنصر قانونی: در حقوق کیفری اقتصادی منابع ملی و فراملی متنوعی وجود دارد. در این قوانین برای تعیین مجازات به نوعی از فن ارجاع به دو شکل استفاده می‌شود: ۱- در متن قانون مقنن یک قاعده را وضع می‌کند و در پایان متن یک ماده مستقلی را به مجازات اختصاص می‌دهد. این به این معنی است که جرایم قبلی از نظر مقنن یکسان است که در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳ به چشم می‌خورد؛ ۲- در یک ماده مقنن جرم را تعریف می‌کند ولی مجازات را در همان ماده نمی‌آورد بلکه در زیر آن از عبارت «در حکم» استفاده می‌کند. این شیوه در کشور ما مرسوم است و ممکن است دو جرم هیچ رابطه ماهیتی نداشته باشند. مثلاً در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی، مجاربه تعریف شده است و در جایی دیگر مقنن احتکار و گران‌فروشی را در حکم مجاربه می‌داند یا قاچاق انسان که این جرم را از مصادیق مجاربه معرفی می‌کند. در برخی قوانین قالب کیفیت مشدد افساد فی الارض برای جرایم اقتصادی به کار برده شده است. از جمله ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱ قانون مبارزه با اخلاط‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، در حال حاضر جرایم اقتصادی در نظم کنونی حقوقی کشور ما در قوانین زیر احصا می‌شود:

- رهنمودهای امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به دست‌اندرکاران قضایی کشور در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۲۴؛
- فرمان تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ رهبر معظم انقلاب درخصوص تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی؛
- فرمان مهم رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوا برای مبارزه همه‌جانبه با فساد مالی و اقتصادی در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲۰؛
- قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸؛
- مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول؛
- قانون مجازات مرتکبان قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی؛
- قانون مجازات اسلامی - تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵)؛
- قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها، مصوب ۱۱ آذر ۱۳۲۳؛
- قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری، مصوب ۱۳۳۷؛
- قانون مربوط به رسیدگی به داری و وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آنها، مصوب ۱۳۳۷؛
- قانون ممنوعیت دریافت پورسانت در معاملات خارجی، مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷؛
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸؛
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی؛
- برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با مفاسد (موضوع مصوبه شماره ۳۷۹۹۵/ت ۲۸۶۱۷ هـ.تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵)؛

- ابلاغیه حکم شماره ۱۷۶۳۳۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۹ رییس جمهوری متضمن مأموریت و وظایف معاونت حقوقی رییس جمهوری؛
- ابلاغیه شماره ۲۳۶۳۶۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۷ رییس جمهوری متضمن اعلام وظایف کارگروه «ارتقای شفافیت عملکرد و گزارش‌های مالی دستگاه‌های اجرایی» و شیوه‌نامه تشکیل جلسات و احراز وظایف کارگروه یادشده، مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶؛
- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مصوب ۱۳۱۵/۹/۲۹؛
- قانون منع خرید و فروش کوپن‌های کالای اساسی، مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳؛
- قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان، مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۵؛
- قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵
مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹؛
- قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۷۲/۹/۱۹ و اصلاحی ۱۳۸۴؛
- قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی، مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۰؛
- قانون نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۳/۶/۲۰؛
- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲
مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳ و اصلاح موادی از آن؛
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰؛
- قانون نظام صنفی، مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی؛
- قانون برگزاری مناقصات، مصوب ۱۳۸۳؛
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴/۹/۱.

از دیدگاه بین‌المللی، موازین و مقرراتی در زمینه جرم اقتصادی در نظر گرفته شده است. به‌طور اختصاصی، دو سند بین‌المللی در رابطه با جرایم اقتصادی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- کنوانسیون پالمو (مصوب ۲۰۰۰ میلادی): این کنوانسیون فقط به تعریف جرایم می‌پردازد و درخصوص جرایم اقتصادی معیاری به‌دست نمی‌دهد. البته ویژگی‌های جرم‌شناسی این کنوانسیون بسیار مهم به‌نظر می‌رسند که شاخص‌ترین آنها عبارت‌اند از: ماده ۹ کنوانسیون موانع اخلاقی شخصی و فردی را به‌عنوان پیشگیری غیرکیفری مؤثر در ارتکاب جرم می‌داند. در ماده ۳ نیز پیشگیری غیرکیفری فنی مدنظر قرار گرفته شده است که با تقویت افراد در معرض بزه‌دیدگی امکان ارتکاب جرم را از بین می‌برد. همچنین به‌بازپروری محکومان اشاره شده است. ماده ۲۳، پیشگیری از پرداخت هزینه توسط مجرمان را مطرح می‌کند. ماده ۲۴ و ۲۵ نیز از بزه‌دیدگان جرایم سازمان‌یافته حمایت می‌کند.
- کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا (مصوب ۲۰۰۳ میلادی): جامعه بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰ توجه ویژه‌ای به مبارزه با فساد نشان داده است. این موضوع سال‌هاست به یکی از مباحث اصلی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. یکی از نتایج این توجه تدوین کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد بود که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید. این کنوانسیون به‌طور مستقیم به جرایم اقتصادی از جمله کسب ثروت‌های نامشروع (ماده ۲۰)، پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری (ماده ۱۵)، اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)، تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳) و... پرداخته است. این کنوانسیون علاوه بر طرح اقدامات و تدابیر بازدارنده در برخی موارد جرم‌انگاری کرده و پیشنهادهایی به دولت‌های عضو ارائه داده است. از نظر تدابیر بازدارنده، این کنوانسیون از طریق اعمال سیاست‌ها و روش‌های پیشگیری در فساد مالی از فراهم‌شدن زمینه برای سوءاستفاده مجرمان پیشگیری می‌کند (پیشگیری غیرکیفری). ماده ۵ کنوانسیون تدابیر پیشگیری از فساد را مطرح می‌کند و در ماده ۶ تشکیل نهادهایی برای

مبارزه با فساد و امکان اجرای تدابیر مذکور را پیش‌بینی کرده است. در ماده ۷ نیز تأکید شده که افراد واجد صلاحیت اخلاقی و توانایی علمی و عملی لازم برای این منظور انتخاب شوند. همچنین در این کنوانسیون از طریق توسل به نظام ضمانت اجراها (ماده ۱۲) امکان مشارکت عمومی در اعلام جرم (ماده ۱۳) و اصلاح و بازپروری بزهکاران (ماده ۲۰) صورت می‌گیرد (پیشگیری کیفری). از نظر جرم‌انگاری، در این کنوانسیون به هر ماده یک عنوان کیفری و ضمانت‌اجراهای اداری و انضباطی و صنفی و... اختصاص داده شده است؛ در واقع تعریف جرم ارائه شده و مجازات را به حاکمیت‌ها واگذار کرده است.

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا از دولت‌های فعال در عرصه مذاکرات مربوط به کنوانسیون بوده و از تصویب آن به‌عنوان سازوکاری برای مبارزه با فساد در عرصه بین‌الملل حمایت کرده است. کشورمان در سال ۱۳۸۷ به کنوانسیون پیوست و هیئت دولت نیز در سال ۱۳۸۸ وزارت دادگستری را مرجع ملی کنوانسیون در کشور تعیین کرد. هم‌اکنون وزارت دادگستری وظیفه تصدی امور مربوط به کنوانسیون و برقراری هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف داخلی برای اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون را برعهده دارد. کنوانسیون، برخورد جامعی با موضوع مبارزه با فساد دارد و علاوه بر جرم‌انگاری انواع فساد به موضوع پیشگیری، بازگرداندن عواید ناشی از فساد و نیز همکاری بین‌المللی نیز توجه کرده است. همکاری بین‌المللی می‌تواند در زمینه‌های مختلف مانند انتقال تجربه درخصوص شناسایی و چگونگی مواجهه با مصادیق فساد، اشتراک اطلاعات و پرونده‌ها، استرداد مجرمان، معاضدت قضایی و نیز استرداد اموال ناشی از فساد صورت گیرد.

مشکلات مهم کشور برای مبارزه تمام‌عیار با فساد، چگونگی استرداد اموالی بوده که از بیت‌المال یا اشخاص خصوصی به غارت رفته و به خارج از کشور منتقل شده است. از همین‌رو یکی از مباحث اصلی کنوانسیون که به همت کشورهای در حال توسعه در کنوانسیون گنجانیده شده، تعهد دولت‌های مقصد اموال ناشی از فساد به اعاده این اموال است. بدون بازگرداندن اموال و عواید ناشی از فساد چرخه مبارزه کامل نخواهد بود زیرا

مهمترین بازدارنده مفسدان اقتصادی این است که بدانند به دام خواهند افتاد، مجازات خواهند شد و اموالی که پنهان کرده یا به خارج فرستاده‌اند بازپس گرفته خواهد شد. در کنوانسیون مبارزه با فساد سازوکارهای مناسبی برای اعاده اموال و عوائد ناشی از فساد وجود دارد که لازم است با افزایش ظرفیت‌های ملی حداکثر بهره‌برداری از آنها صورت گیرد (سرکشیکیان، ۱۳۸۸: ۴۵). یکی از سازوکارهایی که برای تضمین اجرای مفاد کنوانسیون پیش‌بینی شده، فرایند مرور است. در این فرایند که با هدف اجرای بهتر کنوانسیون اجرا می‌شود، اجرای فصول کنوانسیون در دولت‌های عضو بررسی و نقاط قوت و ضعف آنها شناسایی می‌شود. براساس توافق دولت‌های عضو در سال ۲۰۰۹، مرور در دو دوره پنج ساله خواهد بود. در دوره پنج ساله اول اجرای فصول سوم و چهارم درباره جرم‌انگاری موارد فساد و همکاری بین‌المللی و در دوره پنج ساله دوم اجرای فصول دو و پنج درباره پیشگیری و استرداد اموال ناشی از فساد مرور خواهد شد.

پس از بررسی عنصر قانونی (ملی و بین‌المللی) جرایم اقتصادی، دیدگاه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان در مورد عنصر مادی و معنوی این جرایم مطرح می‌شود. عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر به صورت ترک فعل رخ می‌دهد مانند ثبت‌نکردن شرکت‌ها، نبود نظم در دفاتر حسابداری و... عنصر معنوی جرایم اقتصادی نیز به نوعی مفروض است و بیشتر جنبه مادی دارند زیرا حرفه‌ای بودن صاحبان مشاغل با آگاه‌بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد. مجازات جرایم اقتصادی بیشتر به صورت جریمه نقدی و مجازات مالی، ضبط و مصادره اموال پیش‌بینی می‌شود. علت مالی بودن مجازات‌ها نیز این است که به‌طور معمول مرتکبان این جرایم به دنبال سود و درآمد اقتصادی‌اند. مثلاً در جرایم تعزیرات حکومتی ارقام جریمه به ۲۰ میلیارد تومان می‌رسد. البته در کنار آن محرومیت از حقوق اجتماعی هم وجود دارد مثل تعطیلی موقت، محرومیت از شرکت در مناقصه و... اگرچه در مواردی نیز شاهد پیش‌بینی مجازات محارب و مفسد فی الارض برای مفسدان کلان اقتصادی کشور نیز هستیم.

از نظر آیین دادرسی (حقوق شکلی) نیز در رسیدگی به جرایم اقتصادی به دلیل تأثیر منفی که بر افکار جامعه به جا می‌گذارد باید با رویکردی متفاوت در محاکم مورد رسیدگی قرار گیرد. از مصادیق اولیه اهتمام قانونگذار به جرایم اقتصادی در بعد شکلی، بند ۳ ماده ۲ آیین نامه دادرسی و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۵۸ نیز رسیدگی به جرایم اقتصادی بزرگ را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است. ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز از نظر تعیین شیوه رسیدگی به جرایم اقتصادی و استفاده از قاعده تشهیر به منظور تنویر افکار عمومی تصویب شده است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۶: ۶۱).

لازم به ذکر است که کشف و اثبات به هنگام و مفید جرایم اقتصادی، نیازمند وجود ضابطان خاص و آموزش‌دیده در کنار ضابطان عام مانند ماموران گمرک است. از سویی به جرایم اقتصادی باید در دادگاه اختصاصی رسیدگی شود که در حال حاضر در تهران مجتمعی به این منظور اختصاص داده شده است. به طور کلی مفسدان اقتصادی در هنگام ارتکاب، رفتار خود را با مشاوران حقوقی هماهنگ کرده، بنابراین از خلأهای قانونی سوءاستفاده می‌کنند. باید دستگاه قضایی محاکمی ویژه با آیین دادرسی ویژه به این امر اختصاص دهد. همان‌طور که در اوایل انقلاب با تأسیس دادگاه‌های ویژه برای برخورد با گروهک‌های مسلح فارغ از قواعد زائد حقوقی، آرامش به جامعه بازگشت، در این امر نیز باید با شدت و سرعت عمل اقدام کرد.

بخش دوم: بررسی جرم‌شناختی جرایم اقتصادی

جرم‌شناسی اقتصادی یعنی «مطالعه علل ارتکاب جرایم اقتصادی و مطالعه شخصیت مرتکب جرم اقتصادی» و به تفصیل یعنی جرم‌شناسی تک تک جرایم اقتصادی که به مطالعه یک جرم اقتصادی به طور خاص و علل ارتکاب آن می‌پردازد. به طور کلی عوامل متعددی موجب اهمیت جرایم اقتصادی شده است. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرایم اقتصادی بر رقابت‌پذیری اقتصاد، مطالبات مقام معظم رهبری، الزامات سند چشم‌انداز و قوانین

برنامه‌ای؛ همه و همه از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی را افزایش داده‌اند. به‌طور کلی معیارهایی برای تفکیک جرم اقتصادی از سایر جرایم وجود دارد. این معیارها را می‌توان در دو دسته معیارهای غیرمستقیم و معیارهای مستقیم مورد بررسی قرار داد.

معیارهای غیرمستقیم:

الف- معیار جغرافیایی: براساس این معیار بزهکاری اقتصادی یک پدیده شهری است و براساس میزان توسعه‌یافتگی شهرها میزان این جرایم نیز متفاوت است.

ب- معیار حرفه‌ای: جرم اقتصادی در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای قانونی و مشروع فرد رخ می‌دهد مانند به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال در کارخانه‌ها.

ج- معیار ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه: براساس این معیار، مرتکبان جرایم اقتصادی عمل ارتكابی خود را حاکی از زرنگی و مهارت می‌دانند؛ در نتیجه، احساس مجرمیت نمی‌کنند. مانند فردی که اظهارنامه خلاف واقع ارائه می‌دهد و جامعه او را مجرم نمی‌داند.

د- معیار و سایل ارتكاب جرم اقتصادی: در جرم شناسی، و سایل ارتكاب جرم به دو دسته تقسیم می‌شوند. ۱- جرایم حيله‌آمیز و متقلبانه؛ ۲- جرایم توأم با خشونت. جرایم اقتصادی از نوع اول هستند که مبتنی بر سوءاستفاده از نبوغ، توانایی فکری و استعداد هستند. این امر سبب تنوع در و سایل و تنوع در شیوه‌های ارتكاب جرم می‌شود. در نتیجه و سایل ارتكاب جرم بیشتر مجمل و نامحسوس هستند و یا میزان تأثیر وسیله ارتكاب جرم مشخص نیست. مانند جرم کلاهبرداری رایانه‌ای و...

ه- معیار نرم یا قاعده نقض شده: منظور از نرم، قاعده یا هنجار حقوقی است که بیانگر مصلحت یا ارزش الزام‌آوری است که با محتوی و پیام هنجار مرتبط است. مانند مالکیت و احترام به مال دیگری که یک نرم است و بیانگر ارزش الزام‌آور مالکیت خصوصی است و اثرهای اجتماعی و حقوقی به‌دنبال دارد. البته بیان کرده‌اند که این معیار نمی‌تواند جرایم اقتصادی را از جرایم عمومی تفکیک کند.

مهم‌ترین معیار مستقیم تفکیک جرایم اقتصادی از سایر جرایم، معیار «قانون» است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۵: ۳۴ و ۳۵).

با شناخت جرایم اقتصادی توسط معیارهای جرم‌شناختی مبنایی، بحث را از حیث علت‌شناسی جرایم اقتصادی و جامعه‌شناسی کیفری این نوع جرایم ادامه می‌دهیم. در این راستا جرم‌شناسی نظری مبین آموزه‌هایی است که به اختصار به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

- نظریه روان‌شناختی «ژان پیناتل»: «بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می‌برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت به‌شمار می‌رود. او عقده خود را با خرید کالاهای اشرافی مانند استفاده از خودروهای گران‌قیمت نشان می‌دهد. ولی در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس‌برانگیز است مخفی می‌کند. مانند این که به‌منظور فرار از پرداخت مالیات، اموال را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می‌کند». ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کند قضاوت و تحلیل می‌کند. مانند کارمندی که اراده ارتکاب جرم دارد ولی کنترل‌های قانونی و اداری مانع این امر می‌شود (نیومن و مارونگی، ۲۰۱۶).

- نظریه فشار «مرتن»: «بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به‌منظور دست‌یابی به بالاترین نمره موفقیت دور می‌زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست‌یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه‌برداری مقام نخست را کسب کند ولی به‌دلیل تمرین نکردن به دوپینگ متوسل می‌شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به‌واسطه شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می‌شود که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و نبود احساس پابندی قرار می‌دهد. هرچقدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دورزدن قانون بیشتر می‌شود». «مرتن» بزهکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند

که جامعه به وجود آورده است؛ وی معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر و امکان دستیابی را برای همه فراهم کند. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می‌شود (تورنر، ۱۹۹۸).

- نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی: هرچه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است. دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه «نظریه‌های گایس و نظم اجتماعی و فردی مری دلماس مارتی»، عبارت‌اند از استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه (در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تأمین می‌شود)؛ به‌خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرایم آنها با اغماض برخورد می‌شود؛ محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد؛ رسیدگی به این جرایم به اهل فن واگذار که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم می‌شود (پیس، ۲۰۱۶).
- نظریه‌های چندعاملی: این نظریه جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌داند: الف- نظریه فونتان: وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمان اقتصادی معرفی می‌کند و در انگیزه سه عامل را مؤثر می‌داند: ۱- عوامل روانی و فردی مثل ناپختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و... ۲- عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند. ۳- عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زنند. ب- نظریه کوراکیس: وی جرایم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه شهرها و توسعه صنعت و فناوری که مسئولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌کند. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هرچه بیشتر ترغیب می‌کند و فناوری نوین که به

ابزاری برای جرایم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند. عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبان این جرایم است که آنها را به سمت سوءاستفاده از سادگی بزه‌دیدگان سوق می‌دهد. ج- نظریه بائر: این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت‌اجراهای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این عوامل عبارت‌اند از: ۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت‌اجراهای این جرایم؛ ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست. آنها در تدوین لوایح اثرگذارند و با خدماتی که به محافل قدرت می‌کنند، توقعاتی از این مسئولان دارند؛ ۳- موقعیت اجتماعی بزهکاران که موقعیت اعتمادساز است و می‌تواند جرم‌زا باشد؛ ۴- فناوری که باعث سهولت ارتکاب این جرایم توسط افراد صاحب فن شده است؛ ۵- جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است. اول آنکه جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی متبلور شده است و با ورود این شرکت‌ها، ارزش‌های اقتصادی را به دنبال دارد. دوم جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد بین‌المللی صورت می‌پذیرد. جهانی شدن اقتصاد زمینه سوءاستفاده‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند (متیو، ۲۰۱۴).

- نظریه‌های مرتبط با محیط اجتماعی: مطابق این نظریه‌ها؛ ۱- تأثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری اقتصادی: در کشورهای سرمایه‌داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود. در این کشورها با مجرمان یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه‌داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بالا است. برخلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه‌ای کاهش می‌یابد، جرایم با منشأ اقتصادی مانند سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و...، افزایش می‌یابد. ۲- تأثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی: نوسانات بزهکاری تا اندازه زیادی تحت تأثیر اقدامات قوه مقننه

است. زیرا با یک جهت‌گیری اقتصادی ارزش‌های جدیدی به وجود می‌آید که نقض آنها جرم‌انگاری می‌شود و بر تعداد مجرمان می‌افزاید. برعکس چنانچه یک سلسله جرایم را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می‌آید (محمدی، ۱۳۹۰: ۹۸ و ۱۲۷).

• روش‌شناسی

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، اسنادی است. پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی، مقاله‌ها، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کیفری اقتصادی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری است و در این راستا اسناد بین‌المللی و قوانین موضوعه ایران مورد تحلیل قرار گرفته است.

• یافته‌ها

از نظر جامعه شناسی کیفری، ساختار و نظام حقوقی از یک سو و چارچوب نظام قضایی کشور، دارای کارکردهای متعددی است. بر این اساس یک نظام حقوقی یا قضایی می‌تواند ضمن برخورداری از کارکردهای مطلوب، از برخی جهات دارای کارکردهای منفی و جرم‌زا نیز باشد. از سویی علاوه بر کارکردهای طبیعی دستگاه‌های دخیل در امر مبارزه با جرایم اقتصادی، طرح‌نکردن به موقع شکایت، کوتاهی و همکاری ناکافی دستگاه‌ها در پی‌گیری جرم، نبود حضور و مشارکت جدی نمایندگان حقوقی دستگاه‌های اجرایی در فرآیند رسیدگی دادگاه‌ها، تأخیر در تقدیم دادخواست ضرر و زیان این نقایص و آسیب‌ها منجر به تحقق نیافتن اهداف حقوقی مبارزه با فساد و مجازات‌نشدن متخلفان و تضییع حقوق دولتی و عمومی شده است. مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره‌مندی مفسدان اقتصادی، از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است. از سوی دیگر کمبود سازوکار لازم در مورد نظارت قضایی کافی بر عملکرد مراکز اقتصادی کشور توسط سازمان بازرسی کل کشور به عنوان بازوی نظارتی قوه قضاییه و عالی‌ترین نهاد نظارتی کشور به کلی مشهود است. از سوی دیگر مقررات قانونی لازم و سیستم اداری کارآمد در الزام مدیران و مسئولان به ثبت و اعلام صحیح و کامل دارایی خود به قوه

قضایه و نیز ایجاد ابزارهای لازم، امکان شنا سایی ثروت و اموال آنان در صورت کتمان میزان ثروت خود، وجود ندارد. از دیگر دلایل حقوقی گسترش مفاسد اقتصادی این است که قوه قضاییه به قوانین متروک یا اصول و قوانینی که برای مبارزه با مفاسد اقتصادی به‌طور ناقص اجرا شده توجهی ندارد. از جمله این قوانین می‌توان به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی کشور (مصوب ۱۳۶۳)، اصل ۴۲ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاط‌لگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) اشاره کرد (دباغی، ۱۳۹۰: ۶۷).

راهکارهای حقوقی مبارزه با این پدیده را می‌توان به دو محور راهکارهای پیشگیرانه و راهکارهای درمانی تقسیم کرد. مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه باید وظایف خود را در دو بخش پیشگیری و مجازات مجرمان به‌طور همزمان انجام دهد. اجرای طرح‌های پژوهشی برای ریشه‌یابی علل وقوع جرایم اقتصادی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برخورد با آنها یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه برای پیشگیری از مفاسد اقتصادی به‌شمار می‌آید. این امر به تدریج، تهیه لوایح قانونی مناسب را به دنبال خواهد داشت و خلاء مقررات قانونی جزایی را پر خواهد کرد. بازسازی ساختار قضایی و اداری قوه قضاییه و نیز منابع نیروی انسانی قضایی و اداری و تربیت و تقویت و جذب قضات شجاع و مستقل از دیگر اقدامات زیربنایی است که به ریشه‌کن کردن مفاسد به‌طور اعم و مفاسد اقتصادی به‌طور اخص منجر خواهد شد. در حال حاضر بازسازی و اصلاح و تقویت ساختار دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان دو بازوی اصلی قوه قضاییه برای مقابله با فساد اقتصادی نیز بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. اصلاح ساختار قوه قضاییه از فساد درونی نیروهای انسانی، اعم از قضایی و اداری از طریق ایمن کردن آنها، در مقابل ارتشاء با بهبود وضعیت حقوقی و معیشتی آنها و همچنین تأمین امنیت شغلی و حیثیتی قضات و پرهیز از تعرض مسئولان به آنها در ارتباط با تصمیم‌های قضایی که توسط آنها گرفته می‌شود نیز می‌تواند به‌عنوان دستورات درون سازمانی به تقویت قوه قضاییه در مبارزه با فساد اقتصادی کمک کند.

در کنار راهکارهای یادشده که به‌عنوان راهکارهای پیشگیرانه برشمرده شد، راهکارهایی نیز وجود دارند که جنبه درمانی دارند. برخورد قضایی قاطع با مجرمان، اولین و مهم‌ترین راهکار این بخش است. در زمینه بازنگری در قوانین کیفری، به‌نظر می‌رسد کمبود قانون جزایی نقش اساسی ندارد بلکه با قوانین جزایی موجود هم امکان برخورد قضایی فراهم است ولی ضعف در اجرا از ناحیه برخی قضات وجود دارد. تشکیل دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی و همچنین تقویت و تحکیم شأن قضات و کارمندان قوه قضاییه از حیث مادی و معنوی به‌منظور دستیابی به قابلیت و توانایی بیشتر این قوه در برخورد با این مفاسد از دیگر راهکارهای عملی در این راستا است. توسعه همکاری واحدهای حراست مراکز اقتصادی و مؤسسه‌های بانکی، پولی و مالی با حفاظت و اطلاعات دادگستری، به‌طور قطع موجب کمک به کشف جرایم اقتصادی و مخل اقتصاد و امنیت عمومی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر اجرای قوانین متروک یا مقرراتی که به‌طور ناقص اجرا شده، مانند قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور، قوانین مناسبی هستند که هنوز به مرحله اجرا درنیامده‌اند (متنی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۲).

• نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی پدیده درون‌سیستمی است که ارتباط مستقیمی با نوع نظام اقتصادی دارد. مفسدان اداری و اقتصادی نیز در درون سیستم هستند و به روش‌های مختلف در راه مبارزه با فساد سنگ‌اندازی می‌کنند؛ بر همین اساس، مبارزه با فساد ساده نیست. مبارزه مؤثر با جرایم اقتصادی بدون راهبرد جامع ملی، ممکن نیست و یا حداقل به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. شناسایی نقاط آلوده یا مستعد برای ارتکاب جرایم اقتصادی، اقدامات پیشگیرانه نظیر شفاف‌سازی امور و شایسته‌سالاری، جرم‌انگاری انواع این رفتارها از عناصر اصلی این راهبرد خواهد بود. از سویی تجربه نشان می‌دهد که برخورد قهری یا قضایی با جرایم اقتصادی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و این جرایم پدیده پیچیده‌ای هستند که باید قبل از هر چیز از آنها پیشگیری شود. در مرحله بعد چنانچه جرمی روی داد، باید قوانین و اجرای

آنها به‌گونه‌ای باشد که نه تنها مرتکبان مجازات شوند بلکه ترتیبی فراهم شود که آثار آن نیز با روش‌های ممکن رفع شود.

در مورد واکنش‌های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم اقتصادی طوری است که به قوانین شکلی بعد خاصی داده است. اگر چه هنوز درخصوص تعریف این جرایم و مصادیق آن جامعیتی وجود ندارد. ولی با تلاش حقوق‌دانان یک جمع‌بندی کلی در این زمینه وجود دارد که آن را در حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می‌کنند. در حوزه پیشگیری از جرایم اقتصادی، تدابیر خاص وجود دارد. جرم‌شناسی اقتصادی یک جرم‌شناسی اختصاصی است یعنی مطالعه یک جرم خاص و علل ارتکاب آن. درخصوص مجرمان اقتصادی روش‌های خاص در مورد اصلاح و جامعه‌پذیری آنها وجود دارد. به همین ترتیب در اسناد بین‌المللی مربوط به جرایم اقتصادی شاهد اختصا صاص مواد خاص به این جرایم از ابعاد و جنبه‌هایی همچون پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمان هستیم.

بزهکاران اقتصادی از نظر سازگار بودن با جامعه، افرادی عادی و هم‌نوا و همگام با مقررات جامعه هستند و از خلاء هنجارهای حاکم بر محیط و بستر کاری خود برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند. یقه سفیدها با وجود داشتن امکانات فراوان و توفیق اجتماعی، زیاده‌خواهند و از آنجا که وسایل قانونی را در اختیار ندارند متوسل به وسایل و روش‌های غیرقانونی می‌شوند. برای پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی باید خلاء موجود را رفع کرد و جامعه را برای ممانعت از ایجاد بستر مناسب برای ارتکاب این جرایم آماده کرد؛ با این وصف پیشنهاد می‌شود:

- قوه مقننه قوانین مناسب را براساس وظایف ذاتی خود وضع کند؛
- قوه مجریه گزارش مالی، منابع درآمدی و هزینه‌های بودجه سالیانه را منتشر کند و در دسترس عموم قرار دهد؛
- قوه قضاییه تعداد پرونده‌های رسیدگی شده به جرایم اقتصادی و مالی را به تفکیک در اختیار رسانه‌ها قرار دهد؛ همچنین بررسی کند که آیا اقدامات پیشگیرانه مؤثر بوده یا برخوردهای قضایی و قهری؟

- قوه قضائیه فساد اقتصادی خرد و کلان را تعریف و مصادیق آن را به‌دقت احصا کند؛
- از تجربه قضات، استادان دانشگاه و افسران و کارشناسان از طریق برگزاری میزگرد علمی و تخصصی و نقادان مثبت و منفی بهره‌برداری شود؛
- اجرای صحیح قوانین و قانون‌مداری، اصولی‌ترین روش مبارزه با مفاسد اقتصادی است. بنابراین باید ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه درونی شود. به عبارت دیگر تقوا و وجدان کاری و غیرکاری در سطح خرد و کلان تقویت شود. دست‌اندرکاران ارائه خدمات اقتصادی باید پاک‌دست باشند و با هیچ تطمیع و رابطه‌ای از مسیر قانونی خارج نشوند؛
- دستگاه‌های نظارتی باید از آلودگی کارکنان جلوگیری و سلامت آنان را تضمین کنند و آلودگی کارکنان را کشف و برخورد نمایند. بر این اساس باید اختیارات و حمایت از مجموعه‌های نظارتی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی افزایش یابد؛
- تسهیل خرید و فروش کالا و خدمات از طریق رفع ایرادات قوانین مربوط به معاملات؛
- راه‌اندازی کانال اطلاع‌رسانی (مانند یک وب‌گاه اینترنتی) در رابطه با اطلاعات و ام‌های پرداختی و وام‌گیرنده‌ها، برگزاری مناقصه یا مزایده و...؛
- بر تحقق برنامه‌های ملی بسترساز پیشگیری از فساد تمرکز شود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- سرکشیکیان، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). سازوکارهای مبارزه با مفسدات اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه‌السلام)، کارگاه آموزشی قوه قضائیه، دوره دوم، سال اول.
- دباغی، صدیقه (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی نیازمند امنیت اقتصادی است، نشریه ماوی، شماره ۱۲۷.
- متنی‌نژاد، صادق (۱۳۸۷). جایگاه مبارز با فساد مالی در قوانین و مقررات و نقش و وظیفه دستگاه‌های نظارتی نظام، قابل دسترس به نشانی: <http://hoghoogh.com.online.fr10/6/2011>
- محمدی، علی (۱۳۹۰). نظریه‌های اقتصادی جرم. تهران: انتشارات قلم.
- نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۵). تقریرات درسی جرم‌شناسی (درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی. دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد، نیم‌سال دوم.
- نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۶). خلاصه تقریرات حقوق کیفری اقتصادی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد و امین جعفری، نیم‌سال دوم.
- Clarke, R., and J. Eck (2009). Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small Steps, Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.
- Matthews, Roger (2014). Rational Choice, Routine Activities and Situational Crime Prevention, Realist Criminology, PP. 72-93.
- Newman, Graeme and Marongiu, Pietro (2016). Situational Crime Prevention and the Utilitarian Theories of Jeremy Bentham, in Newman, Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora (2016). Rational choice and situational crime prevention: theoretical foundations, New York, Routledge.
- Pease, Ken (2016). Predicting the Future: The Roles of Routine Activity and Rational Choice Theory, in Newman, Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora (2016). Rational choice and situational crime prevention: theoretical foundations, New York, Routledge.
- Turner, Jonothan H. (1998). The structure of sociological theory, 6th Ed, USA, Wadsworth publishing company.